



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انواع کلمه

در هر زبانی، از جمله عربی سه نوع کلمه وجود دارد که به کمک آن جمله‌ها بیان می‌شود. این کلمه‌ها عبارت‌اند از: اسم، فعل، حرف

اسم: واژه‌ای است که برای نامیدن یک شخص یا یک حیوان و یا یک شیء به کار می‌رود. مهمترین نشانه اسم در زبان عربی داشتن «ال» در اول کلمه و یا گرفتن تنوین (_____) در آخر کلمه است. المَعْلَمُ مُعْلَمٌ

به نکات زیر توجه کنید:

۱- یک اسم نمی‌تواند (ال) و تنوین (_____) را با هم داشته باشد. مانند: المَعْلَمُ اشتباه است. درست آن المَعْلَمُ یا مُعْلَمٌ است.

۲- اضافه شدن «ة» در آخر یک کلمه. مانند: وَرْدَةٌ و اضافه شدن «یا»، «أَيُّهَا»، «أَيْتُهَا» در ابتدای یک کلمه می‌تواند از نشانه‌های اسم باشد. مانند: وَرْدَةٌ، يَا عَلِيُّ، أَيُّهَا الطَّالِبُ، أَيْتُهَا الطَّالِبَةُ

۳- «یا» در ابتدای اسم‌های مذکر و مؤنث که بدون (ال) باشد می‌آید. «أَيُّهَا» در ابتدای اسم‌های مذکر که دارای (ال) باشد، می‌آید. «أَيْتُهَا» در ابتدای اسم‌هایی که مؤنث و دارای (ال) باشد، می‌آید. به مثال‌های بالا توجه کنید.

فعل: فعل کلمه‌ای است که بر انجام کار یا روی دادن حالتی در زمان معین توسط شخصی دلالت می‌کند. مانند: ذَهَبَ: رفت / فَعَلَ: انجام داد / يَفْعَلُ: انجام می‌دهد.

حرف: کلمه‌ای است که به تنهایی معنی نمی‌دهد ولی در جمله به کار می‌رود تا اجزای جمله را به هم پیوند دهد و معنی جمله تکمیل شود. مانند: فِی (در)، مِنْ (از)، عَلَی (بر، روی)، إِلَی (به)، لِ (برای)، عَنْ (از)، بِ (به) وسیله و

حروف الفبای عربی

حروف الفبای عربی ۲۸ حرف است که عبارت اند از : ا لف (همزه) - باء - تاء - ثاء - جیم - حاء - خاء -
دال - ذال - راء - زاء - سین - شین - صاد - ضاد - طاء - ظاء - عین - غین - فاء - قاف - کاف
- لام - میم - نون - هاء - واو - یاء)

توجه : چهار حرف ((پ - چ - ژ - گ)) در زبان عربی نوشتاری (فصیح) وجود ندارد .

حروف شمسی و قمری

حروف الفبای عربی (غیر از الف) به دو دسته شمسی و قمری تقسیم می شوند . ۱۴ حرف شمسی و ۱۴

حرف قمری است . این تقسیم بندی در تلفظ و قرائت صحیح اسم ها بسیار مهم است.

حروف شمسی عبارت اند از : ت - ث - د - ذ - ر - ز - س - ش - ص - ض - ط - ظ - ل - ن

حروف قمری عبارت اند از : ا - ب - ج - ح - خ - ع - غ - ف - ق - ک - م - ه - و - ی

* ۱۴ حرف قمری را می توان در جمله « باغ وقف حکیم خُجعه » جمع نمود و به این ترتیب هر حرفی که در

این جمله نبود، شمسی محسوب می شود.

*حروف شمسی و قمری چه فرقی با هم دارند ؟ اگر بر سر یکی از حروف شمسی « ال » اضافه

شود « لام » آن تلفظ نمی شود و حرف شمسی بعد از « ال » با تشدید خوانده می شود .

ال + شمس ← الشمس ← اششمس ← الشَّمْس

قواعد عربی پایه هفتم

اگر بر سر یکی از حروف قمری « ال » اضافه کنیم در خواندن آن هیچ تغییری ایجاد نمی شود و همانطور که

نوشته می شود خوانده می شود . ال + قمر ← الْقَمَر

نکته : برای تشخیص راحت تر حروف های شمسی بعد از (ال) آن حرف تشدید می گیرد و (ال) خوانده

نمی شود ؛ ولی حروف قمری بعد از (ال) تشدید نمی گیرد؛ بنابر این (ال) خوانده می شود. به مثال های قبل

دقت کنید.

*در زبان عربی همانطور که در قرآن خوانده اید حروف به وسیله ی حرکات و علامت ها خوانده می شوند.

این علامت ها عبارت اند از : فتحه (َ)، ضمه (ُ)، کسره (ِ)، سکون (ْ)

* تنوین: گاهی حرکات بالا همراه با نون ساکن تلفظ می شوند که به آنها تنوین می گویند . تنوین نون

ساکنی است که نوشته نمی شود ؛ ولی خوانده می شود.

تنوین نصب َ (کتاباً) تنوین رفع ُ (کتابٌ) تنوین جر ِ (کتابٍ)

برای تنوین نصب لازم است به آخر کلمه « الف » اضافه کنیم و تنوین را روی آن قرار دهیم .

کِتَاب ← کِتَاباً بَاب ← باباً جِدَار ← جِدَاراً

**در ترجمه اسمی که آخرش تنوین (ُ) داشته باشد، حرف (ی) به آخر اسم یا (یک) به ابتدای اسم

اضافه می کنیم، اما اگر اسمی در اولش با (ال) شروع شود، در ترجمه آن حرف (ی) نیازی نیست. به مثال های

زیر توجه کنید:

الف - ذَهَبَ الطَّبِيبُ. (پزشک رفت .) ب - ذَهَبَ طَبِيبٌ. (پزشکی رفت. یا یک پزشک رفت.)

تقسیم اسم براساس جنسیت

۱- اسم مذکر

۲- اسم مؤنث

۱- اسم مذکر اسمی است که بر انسان یا حیوان (نر) یا اشیاء دلالت کند و علامت خاصی ندارد. مثل: «طالب» (دانش آموز پسر)، «بقر» (گاو نر)، «بیت» (خانه)

۲- اسم مؤنث اسمی است که بر انسان یا حیوان ماده یا اشیاء دلالت می کند مثل: «طالِبَة» (دانش آموز دختر)، «بَقَرَة»: گاو ماده، «لَوْحَة» (تابلو). معمولاً اسم هایی که آخر آنها «ة» «ة» «تاء گرد یا تاء تأنیث» به کار رفته باشد، مؤنث هستند. این (ة) در آخر اسم، مهمترین نشانه اسم مؤنث است. البته گاهی اسم مؤنث علامت خاصی ندارد و از طریق معنا به مؤنث بودن آن پی می بریم. مانند: مریم، زینب

تقسیم اسم بر اساس عدد یا تعداد

اسم در زبان عربی به سه دسته مفرد، مثنی و جمع تقسیم می شود.

اسم مفرد: اسمی است که بر یک چیز دلالت کند. مثل: «طالب» (یک دانش آموز)، «طالِبَة» (یک دانش آموز دختر)

*اسم مفرد از لحاظ جنس به دو قسمت تقسیم می شود: ۱- مفرد مذکر ۲- مفرد مؤنث

* (هذا - ذلک) برای اشاره به اسم های مفرد مذکر به کار می رود که هذا (این) برای اشاره نزدیک و ذلک (آن) برای اشاره دور است.

قواعد عربی پایه هفتم

* (هَذِهِ - تِلْكَ) برای اشاره به اسم های مفرد مؤنث به کار می رود که هَذِهِ (این) برای اشاره نزدیک و

تِلْكَ (آن) برای اشاره دور است.

*** گاهی اسمی مؤنث است ولی به آخر آن ضمیری چسبیده است، بنابر این نباید در تشخیص آنها اشتباه

کنیم. به مثال های زیر توجه کنید: هَذِهِ لَوْحَتُكَ. این تابلوی توست. تِلْكَ مَوْعِظَتُكُمْ. آن پند شماست.

اسم مثنی: اسمی است که بر دو نفر یا دو چیز دلالت می کند. علامت اسم مثنی «ان - ین» است که به آخر اسم مفرد اضافه می شود.

طالب + ان ← طالبان طالب + ین ← طالبین (دودانش آموز ، دانش آموزان)

مُعَلِّمَة + ان ← مُعَلِّمَتَان مُعَلِّمَة + ین ← مُعَلِّمَتَيْنِ (دو معلم زن ، معلم های زن)

* اسم مثنی از لحاظ جنس به دو قسمت تقسیم می شوند: ۱- مثنای مذکر ۲- مثنای مؤنث

* برای تشخیص مذکر یا مؤنث بودن اسم مثنی، علامت مثنی را از آخر اسم بر می داریم ، اگر آخر اسم (ت) داشته باشد مثنای مؤنث و گرنه مثنای مذکر است. یا از طریق معنا متوجه می شویم.

* توجه داشته باشیم اگر آخر اسم «ة - ة» باشد هنگام تبدیل به مثنی تاء گرد به تاء کشیده (ت) تبدیل می شود.

* یادمان باشد، برخی اسم ها در آخرشان (ان) دارد که جزء اصل کلمه است، بنابراین اینگونه اسم ها مثنی نیستند. مانند: سُلْطَان، سَلْمَان، فَرَحَان، عَثْمَان

* اسم مثنی با (ان و ین) از نظر معنی هیچ فرقی با هم ندارند . فقط این را بدانید که اسم مثنی با « ین » در اول جمله نمی آید.

قواعد عربی پایه هفتم

* اسمی که مثنی شود، اسم اشاره آن نیز باید مثنی گردد، بنابراین اسم اشاره برای مثنای مذکر (هذان: این دو ، اینها) و برای مثنای مؤنث (هاتان: این دو، اینها) است که هر دو برای اشاره نزدیک می باشد. مانند ←

هذانِ قلمانِ (این دو قلم است). هذانِ الطالبانِ، فی الصَّف (این دودانش آموز، در کلاس هستند)

هاتانِ شجرتانِ (این دو درخت است). هاتانِ المرأتانِ، عالمَتانِ (این دو زن، دانشمند هستند)

* اگر بعد از اسم اشاره مثنی، واژه‌ای با «ال» بیاید؛ می‌توان اسم اشاره را «این» ترجمه کنیم و اسم بعد آن را با پسوند «ها» ترجمه کنیم: هاتانِ البنّتانِ، ناجِحَتانِ. این دخترها، موفق هستند.

اسم جمع : اسمی است که بر بیشتر از دو نفر یا دو چیز دلالت کند و به سه شکل زیر آورده می شود:

«جمع مذکر سالم» «جمع مؤنث سالم» «جمع مکسر»

جمع سالم : به دو نوع جمع اول، سالم می‌گویند، چون در این نوع جمع شکل مفرد کلمه تغییر نمی کند و فقط با اضافه کردن علامت جمع به آخر اسم مفرد به جمع تبدیل می شود.

* علامت جمع مذکر سالم «ونَ - ینَ» است که به آخر اسم مفرد مذکر اضافه می شود .

طالب + ونَ ← طالبونَ طالب + ینَ ← طالبینَ (دانش آموزان)

* علامت جمع مؤنث سالم «ات» است که به آخر اسم مفرد مؤنث اضافه می شود .

طالبة + ات ← طالبات (دانش آموزان) لاعبة + ات ← لاعبات (بازیکنان)

* در موقع اضافه شدن «ات» به آخر اسم مفرد مؤنث «ة» از آخر اسم حذف می شود .

جمع مکسر (شکسته) : برخی از اسم های مذکر و مؤنث به شیوه خاصی جمع بسته می‌شوند که در آن

شکل مفرد کلمه تغییر می کند. این نوع جمع قانون خاصی ندارد و باید آنها را حفظ کرد. البته گاهی اوقات بر وزن مفاعِل ، مفاعیل و فواعِل ، فواعیل (نیز می آیند.

قواعد عربی پایه هفتم

مثال: حدیقه ← حدائق صف ← صفوف مسجِد ← مساجد

*** برخی از جمع های مکسر به جمع های مؤنث سالم بسیار شبیه هستند؛ این گونه جمع ها عبارت اند از : اوقات، ابیات، اموات، اصوات، نکات. مفرد آنها به ترتیب عبارت اند از : وقت، بیت، میّت، صَوْت، نکته که باید در تست ها به آن توجه کرد، این کلمات جمع مکسر هستند.

* برای تشخیص مذکر یا مؤنث بودن جمع های مکسر به شکل مفرد آن نگاه می کنیم. مانند:

الف - حدائق (باغ ها) جمع مکسر و مؤنث است چون مفرد آن (حدیقه : باغ) مؤنث است .

ب - مساجد: (مسجدها) جمع مکسر و مذکر چون مفرد آن (مسجد: مسجد) مذکر است.

* برای اشاره به اسمهای جمع : از هَؤْلَاءِ (اینها) برای اشاره به نزدیک و اولئکَ (آنها) برای اشاره به دور استفاده می کنیم و این اسم های اشاره برای مذکر و مؤنث فرقی ندارند .

هَؤْلَاءِ طَالِبُونَ اولئکَ طَالِبُونَ

هَؤْلَاءِ طَالِبَات اولئکَ طَالِبَات

* اسم اشاره هَؤْلَاءِ و اولئکَ فقط برای اسمهای جمعی به کار می رود که بر اشخاص (انسان) دلالت کند.

هَؤْلَاءِ مُعَلِّمُونَ هَؤْلَاءِ مُعَلِّمَات اولئکَ طُلَّابُ هَؤْلَاءِ طَبِيبَاتُ

* اگر اسم بعد از هَؤْلَاءِ و اولئکَ ، (ال) داشته باشد، اسم اشاره ها را مفرد ترجمه می کنیم؛ در غیر این صورت اسم اشاره را جمع معنی می کنیم. هَؤْلَاءِ الْمُعَلِّمُونَ، فی المدرسة. این معلم ها در مدرسه هستند.

هَؤْلَاءِ مُعَلِّمُونَ عَالِمُونَ. اینها معلمانی دانشمند هستند.

کلمات اِستفهامی (پرسشی) : کلماتی هستند که برای سؤال کردن به کار می رود این کلمه ها

همیشه در اول جمله می آیند و عبارت اند از : (هَلْ - أ - مَنْ - مَا - أَيْنَ - كَمْ ، كَيْفَ)

قواعد عربی پایه هفتم

هَلْ و أ (آیا)، به معنی (آیا) که در ابتدای جمله می آید و در جواب آن باید از (نَعَمْ) و (لا) استفاده

کنیم. مانند ← هَلْ هَذَا طَالِبٌ؟ آیا این دانش آموز است؟ نَعَمْ یا لا

مَنْ : به معنی «چه کسی؟ و یا چه کسانی؟» در اول جمله می آید و برای پرسش، جهت شناسایی

اشخاص از آن استفاده می کنیم و برای پاسخ به آن از شغل اشخاص یا نام اشخاص استفاده می کنیم. مانند ←

مَنْ هُوَ؟ او کیست؟ (برای مذکر) هُوَ مُعَلِّمٌ. او معلم است. یا هُوَ عَلِيٌّ. او علی است.

مَنْ هِيَ؟ او کیست؟ (برای مؤنث) هِيَ مُعَلِّمَةٌ. او معلم است. یا هِيَ فَاطِمَةٌ. او فاطمه است.

لِمَنْ: به معنای «مال چه کسی؟» در اول جمله می آید و از مالکیت اشیاء و یا اشخاص سوال می کند و در

پاسخ به این سوال در ابتدای آن «لِ» می آوریم.

لِمَنْ تِلْكَ السَّيَّارَةُ؟ آن ماشین مال چه کسانی است؟ لِلضُّيُوفِ. برای مهمانان.

* هُوَ و هِيَ در جمله هایی مانند «مَنْ هُوَ الْعَالِمُ؟» و «مَنْ هِيَ الْعَالِمَةُ» ترجمه نمی شود.

مَا : به معنای (چیست ، چه چیز؟) در ابتدای جمله می آید برای سوال کردن در مورد چیزها و اشیاء به

کار می رود. مَا هَذَا؟ این چیست؟ هَذَا بَيْتٌ. این خانه است.

* گاهی (ما) به شکل (ماذا) یا (ما هُوَ/ برای مذکر) و (ما هِيَ/ برای مؤنث)) به کار می رود.

ماذا في الصورة: در عکس چیست؟ مَا هُوَ الموضوع: موضوع چیست؟ (برای پرسش از مذکر)

ما هِيَ الحقیقة؟ حقیقت چیست. (برای پرسش از مؤنث)

* هُوَ و هِيَ در مثال های زیر ترجمه نمی شوند و آوردن آنها اختیاری است. ما هُوَ السَّوَالُ؟ که می توان

اینگونه هم سوال کرد: ما السَّوَالُ؟ یا ما هِيَ المسألة؟ که می توان گفت: ما المسألة؟

أَيْنَ : به معنای (کجا) در ابتدای جمله می آید. برای پرسش از مکان اشخاص و اشیاء و ... به کار می رود.

برای پاسخ به پرسشی که با (أین) آغاز شده است، معمولاً از کلمات زیر استفاده می کنیم. أَمَامَ (جلو، مقابل

قواعد عربی پایه هفتم

(؛ خَلْفَ ، وَرَاءَ (پشت، پشت سر)؛ تَحْتَ (زیر)؛ فَوْقَ (بالای)؛ عَلَى (بر، روی)؛ عِنْدَ (نزد ، پیش)؛ جَنْبَ (کنار) فِی (در ، داخل)؛ بَيْنَ (بین)؛ عَلَى الیمین (سمت راست)؛ عَلَى الیسار (سمت چپ)؛ هُنَا (اینجا)؛ هُنَاكَ (آنجا)

مثال : أَيْنَ الْكِتَابُ؟ کتاب کجاست؟ فی الحقیقة. در کیف است.

أَيْنَ الْمُعَلِّمُ؟ الْمُعَلِّمُ أَمَامَ اللَّوْحَةِ. = معلم کجاست؟ معلم جلوی تابلو است.

(مِنْ أَيْنَ): این اصطلاح برای این که از کسی بپرسیم « شما اهل کجا هستید؟» از آن استفاده می کنیم.

مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ تو اهل کجایی؟ أَنَا مِنْ إیران (أنا ایرانیُّ) مِنْ ایرانی هستم.

مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ تو اهل کجا هستی؟ أَنَا إیرَانِيَّةٌ (أنا مِنْ إیران) مِنْ ایرانی هستم.

کم: به معنای (چند، چقدر) در ابتدای جمله می آید و برای شمارش و سؤال از تعداد اشخاص و اشیاء به کار می رود. و در پاسخ به آن از اعداد استفاده می کنیم. کَمْ طِفْلاً جَنْبَ الْبَابِ؟ ثلاثةٌ چند تا کودک کنار در است؟ سه تا

برای پاسخ به سؤال (کم) باید حداقل اعداد یک تا دوازده را بدانیم:

۱ (واحد) - ۲ (اثنان) - ۳ (ثلاثة) - ۴ (أربعة) - ۵ (خَمسة) - ۶ (سِتَّة) - ۷ (سَبعة) - ۸ (ثَمَانِيَة) - ۹ (تِسعة) - ۱۰ (عَشْرَة) - ۱۱ (أَحَدَ عَشَرَ) - ۱۲ (اِثْنَا عَشَرَ).

كَيْفَ: (چطور) در ابتدای جمله می آید و برای پرسش از حالت و چگونگی انجام یک کار به کار می رود. مانند: كَيْفَ حَالُكَ؟ أَنَا بِخَيْرٍ. كَيْفَ وَصَلْتُ؟ وَصَلْتُ بِسُرْعَةٍ. چگونه رسیدی؟ به سرعت رسیدم.

ضمير: کلمه ای است که به جای اسم قرار می گیرد و از تکرار اسم جلوگیری می کند. از آنجا که در زبان عربی ضمیرها از نظر جنسیت به دو حالت مذکر و مؤنث و از نظر تعداد به سه حالت مفرد و مثنی و جمع

قواعد عربی پایه هفتم

تقسیم شده اند، به همین خاطر تعداد ضمایر در عربی ۱۴ تا است. که به دو دسته کلی مُنفصل (جدا) و مَتَّصل (پیوسته یا وصل) تقسیم می‌شوند. (در جدول صرف فعل ماضی با آنها آشنا می‌شوید.)

* ضمیرهای متکلم یا اول شخص ها عبارت اند از: انا و نحنُ برای مذکر و مؤنث یکسان است.

* ضمیرهای مخاطب یا دوم شخص ها عبارت اند از: أنتَ (تو، مفرد مذکر)، أنتِ (تو، مفرد مؤنث)،

أنتُم (شما، جمع مذکر)، أنتُنَّ (شما، جمع مؤنث)، أنتُمَا (شما دو نفر، مثنای مذکر و مؤنث).

* تمامی اسم ها که از لحاظ عدد و جنس با این ضمیرها یکسان باشند، می‌توانند به جای این ضمیرها به کار

روند؛ با این شرط که ابتدای آن اسم ها با حروف (یا، اِیها، اَیْتُها «به معنای ای») بیاید. مانند — اِیها

الطالبُ (أنتَ چون یک نفر مذکر)، اَیْتُها الطالبةُ (أنتِ، چون یک نفر مؤنث)، اِیها الطالبانِ (أنتُمَا چون دو نفر

مذکر)، اَیْتُها الطالبَتانِ (أنتُمَا چون دو نفر مؤنث)، اِیها الطُلابُ (أنتُم چون چند نفر مذکر)، اَیْتُها الطالباتِ (أنتُنَّ

چون چند نفر مؤنث).

* ضمیرهای غایب یا سوم شخص ها عبارت اند از: هُوَ (او، مفرد مذکر)، هِیَ (او، مفرد مؤنث)، هُمَ (آنها،

جمع مذکر)، هُنَّ (آنها، جمع مؤنث)، هُمَا (آنها، مثنای مذکر)، هُمَا (آنها، مثنای مؤنث)

* تمامی اسم ها که از لحاظ عدد و جنس با این ضمیرها یکسان باشند، می‌توانند به جای این ضمیرها به کار

روند. پس فعل این اسم ها مانند همان ضمیر ها می‌آیند. مانند — الطالبُ (هُوَ چون یک نفر مذکر)، الطالبةُ

هِیَ چون یک نفر مؤنث)، الطالبانِ (هُمَا چون دو نفر مذکر)، الطالبَتانِ (هُمَا چون دو نفر مؤنث)، الطُلابُ (هُم

چون چند نفر مذکر)، الطالباتِ (هُنَّ چون چند نفر مؤنث).

فعل

فعل کلمه‌ای است که بر انجام کار یا روی دادن حالتی در زمان معین توسط شخصی دلالت می‌کند. فعل‌ها از

نظر زمان به سه حالت تقسیم می‌شوند: ۱- ماضی (گذشته) ۲- مضارع (حال) ۳- مستقبل (آینده). که در پایه

هفتم از درس پنجم تا پایان درس نهم با فعل ماضی آشنا خواهید شد. قابل ذکر است دانستن ساختار فعل به

عنوان کلمه‌ای مهم، اهمیت فراوانی دارد و یادگیری‌های آینده شما به تسلط شما در افعال عربی بستگی دارد. بنابراین در فراگیری و تسلط بر ساختار فعل‌های عربی دقت و کوشش لازم را داشته باشید.

فعل ماضی:

فعلی است که بر زمان گذشته دلالت کند و انجام آن پایان پذیرفته باشد. که در زبان عربی ۱۴ حالت شخص متفاوت دارد که هر کدام از نظر جنس (مذکر و مؤنث بودن) و تعداد (مفرد ، مثنی، جمع) با هم متفاوت هستند.

نکات مهم برای یادگیری ساخت فعل ماضی

***ساخت فعل ماضی = ریشه ی فعل + علامت مخصوص فعل (شناسه ی فعل)**

***فعل اول شخص مفرد (مُتَكَلِّمٌ وَحْدَهُ):** فعلی که انجام کار را به خود گوینده نسبت می دهد. این فعل برای مذکر و مؤنث یکسان است و علامت فعل (ت) می باشد که به آخر ریشه ی فعل اضافه می شود. أَنَا فَعَلْتُ؛ من انجام دادم.

***فعل دوم شخص مفرد (مُخَاطَبٌ):** فعلی که برای صحبت با یک شخص حاضر و نسبت دادن کاری یا حالتی به او به کار می رود. علامت مخصوص این فعل برای مفرد مذکر (ت) و برای مفرد مؤنث (تِ) می باشد که به آخر ریشه ی فعل اضافه می شود.

***در این فعل باید دقت کنیم که علامت فعل با حرف آخر ضمیرشان یکسان است. أَنْتَ فَعَلْتَ (تو انجام دادی «مذکر») أَنْتِ فَعَلْتِ (تو انجام دادی «مؤنث»)** حرف مشترک آخر ضمیر و فعل (ت) و (تِ) می باشد.

***فعل سوم شخص مفرد (غایب):** فعلی که در باره ی آنها صحبت می کنیم و در واقع آنها حاضر یا شنونده نیستند. که مفرد مذکر این فعل علامت مخصوص ندارد و آخر فعل حرکت (ـَ) می گیرد. ولی علامت مفرد مؤنث آن (ت) ساکن می باشد که به آخر ریشه ی فعل اضافه می شود. هُوَ فَعَلَ : او انجام داد (مذکر) هِيَ فَعَلَتْ : او انجام داد (مؤنث) .

قواعد عربی پایه هفتم

* فعل اول شخص جمع (مُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ) : فعلی که به وسیله ی آن اشخاص گوینده انجام کار یا داشتن حالتی را به خود نسبت می دهند. علامت مخصوص این فعل (نا) است که به آخر ریشه ی فعل اضافه

می شود. نَحْنُ فَعَلْنَا: ما انجام دادیم. (مذکر و مؤنث)

* فعل دوم شخص جمع (مخاطب) : فعلی است که در این فعل ها افرادی مورد خطاب بوده و ما با آنها صحبت می کنیم و در واقع این افراد شنونده هستند. که شامل چهار فعل است که دو فعل برای جمع که از لحاظ جنس (مذکر و مؤنث) باهم متفاوت هستند. و دو فعل برای مثنی که از لحاظ جنس (مذکر و مؤنث) باهم یکسان هستند. که علامت مخصوص فعل برای جمع مذکر (تُمْ) است و جمع مؤنث (تُنَّ) و مثنای مذکر و مؤنث (تُمَا) است که به آخر ریشه ی فعل اضافه می شود. أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ: شما انجام دادید (جمع مذکر) ، أَنْتُنَّ فَعَلْتُنَّ: شما انجام دادید. (جمع مؤنث) ، أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا: شما انجام دادید. (مثنای مذکر و مؤنث) .

* در این فعل ها نیز علامت مخصوص فعل با آخر ضمیرشان یکسان است.

* فعل سوم شخص جمع (غایب) : فعلی که در باره ی آنها صحبت می کنیم و در واقع آنها حاضر یا شنونده نیستند. که شامل چهار فعل است که دو فعل برای جمع که از لحاظ جنس (مذکر و مؤنث) باهم متفاوت هستند. و دو فعل برای مثنی که از لحاظ جنس (مذکر و مؤنث) با هم متفاوت هستند. علامت مخصوص فعل برای جمع مذکر (وَا) ، جمع مؤنث (نَ) ، مثنای مذکر (اِ) و مثنای مؤنث (تَا) است که به آخر ریشه ی فعل اضافه می شود. هُمْ فَعَلُوا : آنها انجام دادند (جمع مذکر) ، هُنَّ فَعَلْنَ : آنها انجام دادند. (جمع مؤنث) ، هُمَا فَعَلَا (مثنای مذکر) ، هُمَا فَعَلَتَا (مثنای مذکر) .

* برای این افعال رمز «واناتا» را به خاطر بسپارید.

با توجه به نکات گفته شده جدول صرف فعل را حفظ کنید.

قواعد عربی پایه هفتم

ضمیر منفصل	معنای فارسی	ضمیر متصل	معنای فارسی	فعل ماضی	معنای فارسی	علامت فعل (شناسه)	شخص یا صیغه	عدد	جنس
أنا	من	ی	(أَ، مَ، نَ)	فَعَلْتُ	انجام دادم	تُ	اول شخص مفرد (مُتَكَلِّم)	مفرد	مذکر و مؤنث
أنتَ	تو	کَ	(أَ، تَ، نَ)	فَعَلْتَ	انجام دادی	تَ	دوم شخص مفرد (مُخَاطَب)	مفرد	مذکر
أنتِ	تو	کِ	(أَ، تَ، نَ)	فَعَلْتِ	انجام دادی	تِ	دوم شخص مفرد (مُخَاطَب)	مفرد	مؤنث
هُوَ	او	هُ	(أَ، شَ، اَوْ)	فَعَلَ	انجام داد	(أَ)	سوم شخص مفرد (غایب)	مفرد	مذکر
هِيَ	او	هَا	(أَ، شَ، اَوْ)	فَعَلَتْ	انجام داد	تَ	سوم شخص مفرد (غایب)	مفرد	مؤنث
نَحْنُ	ما	نا	مان، ما	فَعَلْنَا	انجام دادیم	نا	اول شخص جمع (مُتَكَلِّم)	جمع	مذکر و مؤنث
أَنْتُمْ	شما	کُمْ	تان	فَعَلْتُمْ	انجام دادید	تُمْ	دوم شخص جمع (مُخَاطَب)	جمع	مذکر
أَنْتُنَّ	شما	کُنَّ	تان	فَعَلْتُنَّ	انجام دادید	تُنَّ	دوم شخص جمع (مُخَاطَب)	جمع	مؤنث
أَنْتُمَا	شما	کُما	تان	فَعَلْتُمَا	انجام دادید	تُمَا	دوم شخص جمع (مُخَاطَب)	مثنی	مذکر و مؤنث
هُمْ	ایشان (آنها)	هُمْ	شان	فَعَلُوا	انجام دادند	وا	سوم شخص جمع (غایب)	جمع	مذکر
هُنَّ	آنها	هُنَّ	شان	فَعَلْنَ	انجام دادند	نَ	سوم شخص جمع (غایب)	جمع	مؤنث
هُمَا	آنها	هُمَا	شان	فَعَلَا	انجام دادند	ا	سوم شخص جمع (غایب)	مثنی	مذکر
هُمَا	آنها	هُمَا	شان	فَعَلَتَا	انجام دادند	تا	سوم شخص جمع (غایب)	مثنی	مؤنث

فعل ماضی منفی

اگر به ابتدای هر فعل ماضی (ما) اضافه کنیم، معنی فعل منفی می شود؛ مانند:

ما ذَهَبَ: نرفت ما سَمِعْنَا: نشنیدیم ما دَخَلُوا: وارد نشدند ما كَتَبْتُ: ننوشتی ما غَسَلْتُ: نشستم

*گاهی (ما) کلمه پرسشی است که از طریق قرینه معنوی (معنی جمله) می توان آن را تشخیص داد. مانند:

سَأَلَ وَالِدِي: ما حَدَّثَ فِي السُّوقِ؟ پدرم سؤال کرد: در بازار چه اتفاق افتاد؟

*اگر در جمله ی سؤالی فردی مورد خطاب قرا بگیرد و از او پرسشی به عمل بیاید، چون او در جواب از جانب خودش پاسخ می دهد؛ ضمیر و فعل جمله تغییر می کند. یعنی اگر با دوم شخص مفرد سوال شود با اول شخص مفرد پاسخ می دهیم و اگر با دوم شخص جمع سوال شود با اول شخص جمع پاسخ می دهیم. مثال:

مِنْ أَيْنَ أَنْتَ أَخَذْتَ مَحْفَظَتَكَ؟ أَنَا أَخَذْتُ مَحْفَظَتِي مِنَ الْغُرْفَةِ.

از کجا، تو کیفت را برداشتی؟ من کیفم را از اتاق برداشتم.

هَلْ أَنْتُمْ لَعِبْتُمْ مَعَ أَصْدِقَائِكُمْ؟ نَعَمْ، نَحْنُ لَعِبْنَا مَعَ أَصْدِقَائِنَا.

آیا شما با دوستانتان بازی کردید؟ بله، ما با دوستانمان بازی کردیم.

أَيُّهَا الطَّالِبَاتِ، أَكْتَبْتُنَّ دُرُوسَكُنَّ؟ نَعَمْ، نَحْنُ كَتَبْنَا دُرُوسَنَا.

ای دانش آموزان، آیا درسهایتان را نوشتید؟ بله، ما درسهایمان را نوشتیم.

وزن و آهنگ فعل های ماضی

وزن و آهنگ فعل های ماضی متفاوت است؛ امسال با سه وزن پرکاربرد آشنا می شویم: فَعَلَ، فَعِلَ، فَعَّلَ

وزن فَعَلَ مانند: أَخَذَ، جَلَسَ، خَرَجَ، دَخَلَ، فَتَحَ، قَرَأَ، كَتَبَ و ...

قواعد عربی پایه هفتم

وزن فَعِلَ مانند: سَمِعَ، شَرِبَ، لَعِبَ و ...

وزن فَعُلَ مانند: قَرُبَ، حَسُنَ، عَظُمَ و...

روزهای هفته (أيامُ الأسبوع)

در عربی نیز روزهای هفته از شنبه آغاز می شود:

السَّبْتُ، الأحد، الإثنين، الثلاثاء، الأربعاء، الخميس، الجمعة

شنبه، یکشنبه، دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه، جمعه

فصلها (الفصول)

زمستان (الشتاء)



الخريف (پاییز)



الصيف (تابستان)



الربيع (بهار)



رنگها (ألوان)

رنگها در زبان عربی به دو وزن بیان می شود: أَفْعَل و فَعْلَاء

أَفْعَل مانند: أَسْوَدَ (سیاه)، أَحْمَرَ (قرمز)، أَخْضَرَ (سبز)، أَزْرَقَ (آبی)، أَبْيَضَ (سفید)،
أَصْفَرَ (زرد)

فَعْلَاء مانند: سَوْدَاءَ (سیاه)، حَمْرَاءَ (قرمز)، خَضْرَاءَ (سبز)، زَرْقَاءَ (آبی)، بَيْضَاءَ (سفید)،
صَفْرَاءَ (زرد)

❖❖ بیشتر بدانیم

❖ وزن أفعِل برای اسم هایی به کار می رود که مذکر باشند و وزن فعلاء برای اسم های مؤنث به کار

می روند. مانند: التُّفَّاحُ الْأَحْمَرُ (سیب قرمز) السَّمَكَةُ الْحُمْرَاءُ (ماهی قرمز)

❖ رنگهای دیگر، به عربی این چنین است:

الرَّمَادِي (خاکستری، طوسی)، الْبُنِّي (قهوه ای)، الْبَنْفَسَجِي (بنفش)، الْوَرْدِي (صورتی)، النَّارَنْجِي (نارنجی)، الْكَرِيمِ (کرم)

❖ دانستن وزن فعلاء برای امسال الزامی نیست و صرفاً، برای دانستن بیشتر بیان شده است.

((وَمِنْ اللَّهِ التَّوْفِيقُ))